



تحلیل سبک و سوزن صحرانوردی



چکیده

علامه‌ی دهخدا با استفاده از فرهنگ غنی اصطلاحات عامیانه، کنایات، ضرب‌المثل‌ها و ایهام‌های لطیف موجود در بعضی از ترکیب‌ها و اصطلاحات، لطافت و ظرافت‌های ادبی خاصی به این نثر بخشیده است. با تأمل و ژرف‌نگری در بعضی از این ضرب‌المثل‌ها، (مانند دزد نگرفته پادشاه است) با ایهام‌هایی مواجه می‌شویم که در فضای حاکم بر جامعه‌ی عصر مشروطه سیاسی و نیش‌دار است و از اوضاع نامناسب آن عصر انتقاد می‌کند. چرند و پرند را در سه ساحت می‌توان تحلیل کرد.

نگاه نخست: ساحت ادبی

«چرند و پرند» در استعمال روزمره به معنای سخن مهمل و یاوه است. انگیزه‌ی علامه دهخدا از انتخاب این عنوان طنزگونه برای روزنامه‌ی «صوراسرافیل» تحوّل در نثر فارسی، ایفای نقش مثبت در برخورد با استبداد و تأثیر بر داستان‌نویسی ایران بود. وی متن‌های «چرند و پرند» را با اسامی دخو، دخوعلی، روزنومه‌چی، نخود همه آش، غلام گدا، خرمگس، سگ حسن دله، برهنه خوش حال، خادم‌الفقرا و... امضا می‌کرد. خرمگس دلالت بر مزاحم بودن دارد. نخود هر آش و سگ حسن دله بیانگر دخالت و فضولی در کار دیگران است. دخو به معنای ساده‌دل است و در منطقه‌ی قزوین به آدم ساده‌لوحی گفته می‌شود که از او مانند ملا نصرالدین کردارها و گفتارهای تمسخرآمیز و طنزگونه سر می‌زند (چرند و پرند: ۱۶ و ۱۷). علامه دهخدا علاوه بر امضاها و نام‌های یاد شده، گاهی از نام مستعار اسیر الجوال و رئیس انجمن لات‌لوت‌ها نیز استفاده می‌کرد (گزیده: ۲۰). اینک به پاره‌ای از ویژگی‌های ساحت ادبی به‌کار رفته در متن نوشته‌های چرند و پرند می‌پردازیم.

این مقاله کوشیده است که به تحلیل سبکی نثر طنزآمیز «چرند و پرند» از علامه‌ی دهخدا - که در روزنامه‌ای صوراسرافیل^۱ در عصر مشروطه منتشر می‌شده - با تکیه بر مطالبی از آنچه در کتاب‌های درسی (ادبیات ۱: ۱۳۱ تا ۱۳۴) و (ادبیات ۱: ۱۵۷ تا ۱۶۱) آمده است، بپردازد. نظر به این‌که این مقاله با مساعدت همکار مرحوم انوش اسکندری، که مدرّس دانشگاه آزاد اسلامی ایذه نیز بودند، شکل گرفته است آن را به روح بلند وی تقدیم می‌کنم.

کلمه‌وارژه‌ها

دهخدا، چرند و پرند، طنز، مشروطه، ساحت فکری، ساحت ادبی، ساحت زبانی



رسول کبری
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
مدیرمسئول دبیرستان‌ها
مدرس زبان و ادبیات فارسی
مركز پیام نور و دانشگاه آزاد واحد باغ‌مک

عَلَّامَهی دهخدا با نوشتن چرند و پرند نخستین پایه‌گذار ساده‌نویسی در ایران به‌شمار می‌رود، که کار او را بعدها سیدمحمدعلی جمال‌زاده در یکی بود، یکی نبود و صادق هدایت در مجموعه‌ی قصه‌هایش به کمال رسانیدند.

نیست (امثال و حکم: ج ۴: ۱۸۱۴)؛ من ریشم را توی آسیا سفید نکردم (ادبیات ۲: ۱۶۰)، کنایه از این‌که باتجربه هستم؛ مردم که مغز خنر نخورده‌اند (ادبیات ۲: ۱۵۹)، کنایه از این‌که مردم نادان نیستند و خوب می‌فهمند؛ در واقع تو این کار را روی دست من گذاشتی، به قول تهرانی‌ها تو مرا رو بند کردی. یا تو دست مرا توی حنا گذاشتی^۲ (ادبیات ۲: ۱۵۹)، کنایه از این‌که تو سبب گرفتاری من شدی و در این گرفتاری هم، هیچ کمکی به من نکردی. تو مرا روبند کردی، کنایه از این‌که تو مرا در رودرپایستی قرار دادی (ادبیات ۲: ۱۶۱) و...

نگاه دوم: بساحت فکری

نویسنده‌ی علامه دهخدا در دوران انقلاب مشروطه و هم‌زمان با انتشار روزنامه‌ی صوراسرافیل آغاز می‌شود که خود سردبیری آن را برعهده داشت. وی در هر شماره‌ی روزنامه‌ی صوراسرافیل دو مقاله داشت: یکی سیاسی و اجتماعی در اول هر شماره و دیگری طنزآمیز و انتقادی با عنوان **چرند و پرند** در پایان یا در خلال آن روزنامه (احمدی، ۱۳۷۵: ۱۹).

چرند و پرند بیانگر اندیشه‌ی متعال علامه‌ی دهخدا در ادب فارسی است، به‌طوری که دکتر رعدی آذرخشی درباره‌ی آن گفته است چرند و پرند دهخدا مانند تاجی بر تارک ادبیات ایران می‌درخشد. این اثر نه تنها به مرور زمان اهمیت خود را از دست نمی‌دهد، بلکه به دلیل حقایق کلی و بشری، مانند شعر حافظ با اوضاع هر زمان منطبق می‌شود و جنبه‌ی شاهکار بودن به خود گرفته است (مرتضی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۷).

تأثیر مقاله‌های تند و کوبنده‌ی علامه‌ی دهخدا در روح و مسیر زندگی ملت ایرانی به حدی بود که وقتی در روزنامه‌ی صوراسرافیل به دفاع از مردم ستم‌دیده‌ی کرمان در برابر نصرت‌الدوله، نایب‌الحکومه‌ی کرمان، برخاست، مردم باوفا و حق‌شناس کرمان، پس از استبداد صغیر و بازگشایی مجلس، او را به نمایندگی خود در مجلس شورای ملی برگزیدند و این در حالی بود که علامه‌ی دهخدا در آن زمان در اسلامبول مشغول نوشتن روزنامه‌ی سروش بود و هیچ‌یک از موکلان برای یک‌بار هم او را ندیده بودند (احمدی، ۱۳۷۵: ۲۱). وی جمله‌هایی طنزآمیز علیه نظام حاکم بر عصر مشروطه به‌کار می‌برد، از جمله: شأن مَقْنَن از آن بالاتر است که به قانون عمل کند (همان: ۱۳۴).

الف) به‌کار بردن «اتباع و مهملات» که شاید انتخاب «چرند و پرند» نیز بی‌ارتباط با آن نباشد. برای این کارها خیلی شلوق بلوق است (احمدی، ۱۳۷۵: ۷۵). در همین حیص و بیص جناب حاجی مَلِک‌التَّجَار راه آستارا را به روس‌ها واگذار کرد (همان: ۷۸).

ب) استفاده از واژگان «مثبت» در معنای «منفی» به‌منظور افزایش بار طنز که در واقع نوعی استعاره‌ی ته‌کمیّه یا عنادیه است.

مثال: من نمی‌گویم که سر حد ایران یک وقتی از پشت دیوار چین تا ساحل رود دانون ممتد می‌شد و امروز به واسطه‌ی زحمات همین رؤسا اگر در تمام طول و عرض ایران دو تا موش دعوا کنند، سر یکی به دیوار خواهد خورد (همان: ۹۸)، کنایه از کوچک و محدود شدن قلمرو ایران. (زحمت در این‌جا به معنای خیانت است).

مثال: حالا من به تمام برادران مسلمان **غیور** تریاکی خود اعلام می‌کنم ترک تریاک ممکن است به این‌که... (همان: ۶۵)؛ برادران **غیور** تریاکی من، البته می‌دانید که انسان عالم صغیر است... (همان: ۶۶). در دو مثال اخیر، به‌کار بردن واژه‌ی مثبت «غیور» در مفهوم «منفی» (بی‌غیرت) برای افراد تریاکی به‌منظور افزایش بار طنز است. حافظ شیرازی نیز واژه‌ی «غیور» را به شیوه‌ی طنز و استعاره‌ی ته‌کمیّه به معنای «بی‌غیرت» به‌کار برده است:

چرند و پرند بیانگر اندیشه‌ی متعال علامه‌ی دهخدا در ادب فارسی است

پیراهنی که آید از او بوی یوسفم

ترسم برادران غیورش قبا کنند

عزیز مصر به رغم برادران غیور ز قعر چاه برآمد، به اوج ماه رسید (حافظ)

ب) استفاده از دو ادات پرسشی در یک جمله‌ی سؤالی برای تأکید بیش‌تر - که در نگارش حشو قبیح است - مثال: مگر همان مشروطه‌ی خالی چه‌طور است؟ (ادبیات فارسی؟! ۱۳۳)

ت) استفاده‌ی طنزآمیز از اعداد. مثال: آفتابه لگن شش دست، شام و ناهار هیچی! (احمدی، ۱۳۷۵: ۹۶)؛

حاضرم دویست و پنجاه حدیث در فضیلت خربزه و یک‌صد و چهل و نه حدیث در فضیلت عسل شاهد بگذرانم (همان: ۹۷).

ث) استفاده‌ی فراوان از ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها و به‌کار بردن اصطلاحات عامیانه در آن‌ها:

مثال: نشخوار آدمی زاد حرف است (ادبیات ۲: ۱۵۸)؛ مفهوم کنایی این ضرب‌المثل یعنی حرف زدن نوعی سرگرمی است، البته نه در همه‌جا (ضرب‌المثل‌ها: ۲۱۷)؛ بر گفتار دراز من یا او ملامتی



به نظر می‌رسد علامه‌ی دهخدا، آگاهانه نام چرند و پرند را به منظور مخالفت با اوضاع نابه‌سامان حاکم بر جامعه و ناهماهنگی‌اش با اندیشه‌های سران دستگاه حکومتی عصر مشروطه، برای مطالب طنزآمیز خود در روزنامه‌ی صوراسرافیل انتخاب کرده است. گاهی، نیز در شکل نوشتاری ضرب‌المثل‌ها تغییراتی با اهداف سیاسی و انتقاد از اوضاع نامناسب حاکم بر جامعه ایجاد می‌کند: مثلاً معروف هر که تنها به قاضی شود، راضی باز می‌آید را به صورت هر که تنها به قاضی رفت، البته قاضی به او خواهد گفت دست کن ته جیب، بین چه داری؟ (همان: ۲۰).

در مجموع می‌توان گفت که علامه‌ی دهخدا از اندیشه‌ی مذهبی - سیاسی ممتازی برخوردار است و این اندیشه را در خدمت کمک به مظلومان جامعه در عصر مشروطه به کار می‌برد و با نوشتن چرند و پرند به بیدار کردن مردم از خواب غفلت تلاش می‌کند و از هیچ تهدیدی نمی‌هراسد، حتی با تبعید هم دست از اهداف مقدس خود برنمی‌دارد.

نگاه سوم: ساحت زبانی

علامه‌ی دهخدا با نوشتن چرند و پرند نخستین پایه‌گذار ساده‌نویسی در ایران به‌شمار می‌رود، که کار او را بعدها سیدمحمدعلی جمال‌زاده در یکی بود، یکی نبود و صادق هدایت در مجموعه‌ی قصه‌هایش به کمال رسانیدند. نثر چرند و پرند ساده، صمیمی، نرم، آشنا، پُر خون و پُر تحرک است. از آن‌جا که مخاطبان چرند و پرند عامه و انبوه مردم هستند، دهخدا به زبان ایشان سخن می‌گوید و به فرهنگ غنی عامیانه توجه می‌کند (همان: ۴۶). به نظر نگارنده زبان نثر طنزآمیز چرند و پرند عوام فهم و خواص پسند است. علامه‌ی دهخدا، آگاهانه واژه‌های ساده را با فرهنگ غنی عامیانه درهم می‌آمیزد و معتقد است که مردم جامعه‌ی عصر مشروطه و قرن اخیر، به دلیل مشغله‌ی فراوان، علاقه‌ی چندانی به نثر متکلف و فنی ندارند، از این‌رو، زبان ساده‌ای برای نثر چرند و پرند انتخاب می‌کند و آن را با چاشنی گفتار عامیانه و فرهنگ غنی عامه درهم می‌آمیزد و طنز سیاسی هم بر آن می‌افزاید. به این ترتیب نثری مورد پسند جامعه‌ی امروزی ایجاد می‌کند.

نتیجه

تحلیل سبکی نثر چرند و پرند، بدون بررسی همه‌جانبه‌ی هر سه ساحت ادبی، فکری و زبانی علامه‌ی دهخدا امکان‌پذیر نیست. در بخش ساحت ادبی ویژگی‌های یک نثر موفق ادبی به زبان ساده و قابل فهم به چشم می‌خورد. این بخش پر معنا بهره گرفته از ضرب‌المثل‌های کنایی نیش‌دار به اوضاع نابه‌سامان حاکم بر جامعه و نمونه‌ای از فرهنگ غنی عام است. نویسنده‌ی نثر چرند و پرند از نظر فکری از اندیشه‌ی مذهبی، سیاسی و عالمانه برخوردار است و از منظر ساحت ادبی، از واژه‌های ساده، روان و به دور از تکلف بهره جسته است.

پژوهش

منابع و مآخذ

۱. در روز ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هـ.ق. قزاق‌های محمدعلی‌شاه مرحوم میرزا جهان‌گیرخان شیرازی (یکی از دو مدیر روزنامه‌ی صوراسرافیل) را، دستگیر کردند و به باغ شاه بردند و ۲۴ همان ماه در همان‌جا او را با طناب خفه کردند. علامه دهخدا، مسمط یاد آر ز شمع مرده، یاد آر را در رثای آن مرحوم بسود (احمدی، ۱۳۷۵: ۱۵۳) • ۲. برای اطلاع از ریشه‌ی تاریخی این ضرب‌المثل به «داستان‌های امثال» مراجعه کنید.

- ۱. احمدی گیوی، حسن، گزیده‌ی آثار دهخدا، چ ۱، نشر قطره، ۱۳۷۵ •
- ۲. تاکی، مسعود و دیگران... ادبیات فارسی (۱) (اول دبیرستان)، چ ۹، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۴ • ۳. دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، چ ۱۰، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ • ۴. _____، چرند و پرند، به کوشش اکبر مرتضی‌پور، چ ۱، انتشارات عطار، ۱۳۸۰ •
- ۵. ذوالفقاری، حسن، داستان‌های امثال، چ ۱، انتشارات مازیار، ۱۳۸۴ • ۶. سنگری، محمدرضا و دیگران... ادبیات فارسی (۲) (متون نظم و نثر) دوره‌ی پیش‌دانشگاهی علوم انسانی، چ ۹، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۲ • ۷. فعال عراقی، حسین، ادبیات فارسی (۲) (متون نظم و نثر)، دوره‌ی پیش‌دانشگاهی علوم انسانی، چ ۲، انتشارات پیش‌دانشگاهیان، ۱۳۸۴ • ۸. شمیسا، سیروس، فرهنگ اشارات ادبیات فارسی (۲ جلد)، چ ۱، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷ • ۹. معصومی، رضا، ضرب‌المثل‌ها (امثال شیرین زبان فارسی)، چ ۱، ناشر کتاب نمونه، ۱۳۷۶ •